

فرار خونین از اسارتگاه هر می

پسر تحصیلکرده‌ای که از سوی اعضای شرکت هرمی در خانه‌ای ۱۰روز حبس شده بود، هنگام فرار از سبوی اعضای این باندا شد طبعه دوم به پایین سقوط کرد و به شدت زخمی شد.

به گزارش «جوان» ۱۹ آذر مرد میانسانی در تهران به اداره پلیس رفت و از اعضای باندی به اتهام قصد قتل پسرش شکایت کرد. شاکسی گفت: من معلم بازنشسته هستم و در یکی از شهرهای شرقی ایران همراه خانواده‌ام زندگی می‌کنم. پسرم حمید چند سال قبل لیسانس کامپیوتر گرفت و از آن زمان به بعد دنبال کار می‌گشت اما کاری پیدا نکرد تا اینکه ۱۰ روز قبل یکی از بستگانشان از تهران با حمید تماس گرفته بود که شرکتی تأسیس کرده و نیاز به کارشناس کامپیوتر دارند. وقتی شنیدم حمید در تهران کار پیدا کرده خیلی خوشحال شدمیم و او را راهی تهران کردم.و از آن روز به بعد برای ما پیامکی می‌فرستاد تا اینکه ۱۶ آذر به تلفن همراه خواهرش پیام داد که چند نفری او را در خانه‌ای حبس کرده‌اندو جانش در خطر است.

■ **فرار از اسارتگاه**

پسرم حتی موقعیت مکانی هم که در آنجا حبس شده بود برای دخترم فرستاده بود که بلافاصله با خودروام راهی تهران شدمیم. ما طبق نقشه به خیابان ۲۲ بهمن رفتهیم اما کوجه و پلاکی که پسرم در آنجا گرفتار شده بود را نمی‌دانستیم تا اینکه قفایقی بعد گوشی‌ام رنگ خورد مرد ناشناسی آدرسی به من داد و خواست هر چه زودتر به آنجا بروم. وقتی به آدرس مورد نظر که کوچهای آن طرف تر بود رفتهیم دیدیم خودروی آمبولانسی جلوی در است و در حال انتقال پیکر زخمی و نیمه جان پسرم به بیمارستان است. خوشبختانه پسرم حالش خوب شد و گفت، اعضای باندی در طبقه دوم آن خانه او را حبس کرده بودند و وقتی قصد فرار داشته او را طبقه دوم به پایین پرت کرده‌اند. با طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس در دستور باز پرس جنایی تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کردند.

نخستین بررسی هاشان داد ساکنان طبقه دوم پس از این حادثه از محل گر بخت‌اند. همسایه طبقه سوم که موضوع را به پدر حمید خبر داده بود، گفت: حدود دو ماهی است که افراد زیادی به طبقه دوم این ساختمان رفت و آمد دارند. من به رفت‌های آنها مشکوک بودم اما از ترس حرفی نمی‌دم تا اینکه ساعت ۱۶ عصر صدای مهبیی از داخل حیاط به گوشم رسید. وقتی از پنجره به پایین نگاه کردم، دیدم پسر جوانی به پایین سقوط کرده و چند نفر هم قصد دارند او را به زور سوار خودرویی کنند که بلافاصله به پایین رفته و با داد و فریاد از همسایه‌ها در خواست کمک کردم که آنها فرار کردند.

پسر جوان که در د زیاد ی داشت خودش را حمید معرفی کرد و شماره پدرش را به من داد و گفت پدرش در همین نزدیکی هاست و از من خواست با او تماس بگیرم.

■ **۱۰روز اسیر بودم**

حمید هم پس از بهبودی نسبی در تحقیقات پلیسی گفت: من فکر می‌کردم در تهران با تعدادی دکتر و مهندس همکاری می‌کنم اما وقتی وارد آن خانه شدم تازه فهمیدم که در دام اعضای شرکت هرمی گرفتار شده‌ام. همان روز اول تصمیم گرفتم آنجا تار کنم اما آنها اجازه ندادند. پس از آن تصمیم گرفتم آنها فریب دهم و حتی به دروغ گفتم که در دام اعضای شرکت هرمی گرفتار شده‌ام. همان روز بهانه سرمایه گذاری از پدرم بخوامم برای من پول بفرستد و چند نفر هم به عنوان زیرشاخه پیدا کنم و به اسارتگاه هم بکشانم. من فهمیدم که آنها افراد تحصیلکرده‌ای مثل مرا که دنبال کار هستند فریب می‌دهند و به مخفیگاه‌هاشان می‌کشانند و از آنها بابت عضویت پول می‌گیرند و تا زمانی که پنج عضو جدید معرفی نکنند، رهایشان نمی‌کنند. وی ادامه داد: آنها حتی مرا تهدید به مرگ کردند و هر باری که می‌خواستم با تلفن همراهم تماسی بگیرم باید از آنها اجازه می‌گرفتم تا اینکه ۱۶ آذر در فرضی به صورت مخفیانه به خواهرم پیام دادم که جانم در خطر است و برای او موقعیت مکانی ام فرارستانده که بعد از آن پدر و خواهرم عصر همان روز خودشان راه تهران رساندند. من در فرصت بعدی از پنجره قصد فرار داشتم که آنها مرا هل دادند و به پایین سقوط کردم.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه قاضی مصطفی واحدی، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران دستور داد صاحبخانه طبقه دوم، شناسایی و اعضای شرکت هرمی دستگیر شوند.

سقوط مرگبار پسر نوجوان از پشت بام

پسر ۱۶ساله‌ای به طرز مشکوکی از پشت بام ساختمان مسکونی در غرب تهران به پایین سقوط کرد و چسان باخت.

به گزارش «جوان» ساعت ۷ صبح دپروز ۱۲ آذر باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از خیابان‌های غرب تهران باخبر و همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه که محوطه مجتمع مسکونی بود با جسد پسر ۱۶ساله‌ای به نام نوید روبه رو شدند که حکایت از آن داشت وی بر اثر سقوط از ارتفاع به کام مرگ رفته است. نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت نوید همراه خانواده‌اش در یکی از طبقات ساختمان زندگی می‌کرده که به طرز مرموزی از پشت بام ساختمان پنج طبقه به پایین سقوط و فوت می‌کند. تحقیقات میدانی مأموران پلیس نشان داد وی هیچ مشکل و اختلافی با خانواده‌اش نداشته است و دقایقی قبل از حادثه هم در اتاقش با کامپیوتر و تلفن همراهش در فضای مجازی مشغول بوده است. مأموران پلیس همزمان با انتقال جسد پسر فوت شده برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کردند.

مرد مسلحی که مسافران اتوبوس شهری در قمرابه گروگان گرفته بود، بازداشت شد. عصر روز گذشته به مأموران پلیس آگاهی شهرستان قم خبر رسید مرد مسلحی مسافران اتوبوس مسافربری در بلوار معتمد شهرک فاطمیه را به گروگان گرفته است. با حضور تیم‌های پلیس مشخص شد متهم در حالی که مسلح به سلاح گرم و سرد است، دست به گروگانگیری زده است. گروگان‌ها هم شش مسافر (چهار مرد و دو زن) بودند که تلاش‌ها برای راهی آنها در دستور کار پلیس قرار گرفت. آن گونه که مهر گزارش داده است، متهم دو سال قبل وقتی با جواب منفی از سوی خانواده دختر مورد علاقه‌اش مواجه شد، گوش‌های برادر دختر را برید و

با طرح شکایت از سوی او بازداشت و زندان شد. متهم اما بعد از دو سال تحمل حبس مدتی قبل از زندان آزاد و این بار برادر مسافران اتوبوس مسافربری در بلوار معتمد شهرک فاطمیه را به قتل رساند و از محل گرخت تا اینکه دست به گروگانگیری زد. با حضور تیم‌های رهایی گروگان تلاش برای نجات گروگان‌ها به جریان افتاد تا اینکه ساعت ۱۵:۲۰ یکی از گروگان‌ها که زنی سالخورده بود، آزاد شد.

تلاش‌ها برای نجات گروگان‌ها همچنان در جریان بود تا اینکه ساعت ۱۶ مأموران پلیس متهم را بازداشت و گروگان‌ها را آزاد کردند. سرهنگ حاجی‌زاده معاون اجتماعی نیروی انتظامی قم گفت: تحقیقات از متهم در این باره جریان دارد.

قاتل گوش بر مسافران اتوبوس را گروگان گرفت



مرد ۳زنه‌پس از قتل برادرش مسافرکشی می‌کرد

نخستین بررسی هاشان داد مقتول ساعت ۲ بامداد در حالی که زخمی بوده از سوی خانواده‌اش برای درمان به بیمارستان منتقل شده است. بنا بر این مأموران پلیس سراغ خانواده مقتول رفتند و از آنها تحقیق کردند. یکی از اعضای خانواده سامان گفت: محل زندگی ما خانه‌ای قدیمی است و داخل حیاط اتاقکی داریم که پسر ۳۰ ساله‌ام به نام صفر که مدتی است از همسرش جدا شده همراه پسر جانش در آن زندگی می‌کند. بامداد امروز صدای دروازه را داخل اتاقک ما را از خواب بیدار کرد و وقتی به داخل حیاط رفتم، دیدم پسرمان سامان با چاقو زخمی شده و از صفر و پسر جانش هم خبری نیست، سپس سامان را به بیمارستان منتقل کردیم اما متأسفانه پسرمان فوت کرد و الان احتمال می‌دهیم سامان در گبری را با صفر به قتل رسیده است.

■ **پدرم عمویم را به قتل رساند**

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران تحقیقات گسترده‌ای برای دستگیری صفر و پسرش آغاز کردند تا اینکه به آنها خبر رسید پسر صفر در خیابانی در جنوب تهران تصادف کرده و به بیمارستان منتقل شده است. بدین ترتیب مأموران به بیمارستان رفتند و از پسر جوان درباره حادثه تحقیق کردند. وی گفت: پدرم معتاد به موادمخدر است و به همین خاطر عمویم شب حادثه را با پدرم مشارجه می‌کرد که تاگهان در گبری آنها بالا گرفت و پدرم با چاقو مقابل چشمان من سه ضربه به عمویم زد و از خانه فرار کرد. من که با دیدن این صحنه به شدت ترسیده و شوکه بودم، دست و پام را گم کردم و توان هیچ عکس العملی نداشتم تا اینکه وحشت‌زده تا موتورسیکلت از خانه بیرون رفتم. بدون هیچ هدفی داخل خیابان با موتورسیکلت دور دور می‌کردم و از طرفی

مرد معتاد سه زنه‌ای که پس از قتل برادرش به مسافرکشی مشغول شده بود، در بازجویی حامدی شد روح سرگردانی به او فرمان قتل داده بود.

به گزارش «جوان» ساعت ۱۰صبح پنجشنبه ۱۲ آذر قاضی محمدچواد شفیع‌ی باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌ها باخبر و همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند.

تیم جنایی وی تخت بیمارستان با جسد جوان ۳۳ساله‌ای به نام سامان روبه‌رو شدند که باصابت سه ضربه چاقو به بدنش به قتل رسیده بود.

شوهر خطاکار: قصاصم کنید تا از عذاب وجدان راحت شوم

مردی جوان که قصد داشت دختری را برای ازدواج به برادرزنش معرفی کند به ناگاه تصمیم گرفت خودش با آن دختر وصلت کند اما از آنجا که همسرش را مانع این ازدواج می‌دید، او را با قرص خودکشی به کام مرگ کشانند و نامش در ایمیل لیست مجرمان ثبت شد. متهم که غلام نام دارد و به مصرف موادمخدر هم اعتیاد دارد، روز گذشته در جلسه دادگاه از قاضی خواست زودتر او را قصاص کنند تا از عذاب وجدان راحت شود.

به گزارش «جوان» ۲۹ آبان ماه سال ۹۸، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک زن جوانی به نام فیروزه در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند.

شوهر آن زن که در محل حضور داشت با ادعای فرضیه خودکشی گفت: «روز گذشته وقتی به خانه آمدم متوجه شدم همسرم قرص برنج خورده و خودکشی کرده است. بلافاصله او را به بیمارستان رساندم اما ای‌فایده بود و او فوت کرد.» با انتقال جسد به پزشکی قانونی، شوهرش غلام بسار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت تا اینکه در روند بازجویی‌ها به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: «قصدم داشتم با دختر جوانی ازدواج کنم، او نمی‌دانست متاهل هستم، به همین خاطر تصمیم گرفتم همسرم را به قتل برسانم. برای انجام نقشه به او قرص برنج خوراندم اما بلافاصله شمیمان شدم و من

حجوات

سرویس حوادث ۸۹۹۸۴۳۵

ادارات

سردار حمید هداوند*

تأمین امنیت بیشتر بادوری از شایعات

سردرگمی شهروندان در خصوص اجرای قوانین و مقررات و خصوصاً عمل به دستورالعمل‌های ابلاغی ستاد مقابله با کرونا خواهد شد



درخواست پلیس از مردم آن است که در جهت کمک به تأمین هر چه بیشتر و بهتر امنیت و آرامش در این دوران به خصوص به توصیه‌های نهاده‌ها و سازمان‌های مسئول و خصوصاً پلیس و ستاد مقابله با کرونا توجه ویژه داشته باشند و در جهت اجرای صحیح دستورالعمل‌های ابلاغی در خصوص استفاده از ماسک و رعایت نکات بهداشت فردی و عمومی و همچنین محدودیت‌های اعمال شده در خصوص تردد درون و برون شهری توجه ویژه داشته و نهایت همکاری خود را با این نهادها و سازمان‌ها داشته باشند.

همچنین اکیداً توصیه می‌کنیم مردم تمامی اخبار و اطلاعات مورد نیاز خود در رابطه با بیماری کرونا و محدودیت‌ها و قوانین وضع شده در این دوران را تنها از مراجع و منابع اطلاع‌رسانی موثق و اعلام شده توسط نهاده‌ها و سازمان‌های مسئول و به ویژه پلیس و ستاد مقابله با کرونا دریافت و از توجه به شایعات و اخبار غیرموق و بدون منبع مشخص پرهیز کنند تا در این دوران سخت شاهد ثبات خوبی در بحث آرامش و امنیت‌روانی جامعه باشیم.

*جانشین فرمانده انتظامی پایتخت داده می‌شود، مواجه می‌شویم که باعث



جویندگان وام

بدهکار بانکی شدند

من هم اوراق شناسایی‌ام را به شاهین دادم. مدتی بعد شاهین مبلغی را به حسام‌واریز کرد اما دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و من هم دیگر پیگیر ماجرا نشدم.

از آنجا که احتمال می‌رفت شاهین در جریان کلاهبرداری نقش داشته باشد، تحقیقات در این باره دنبال و معلوم شد او افراد کم‌سواد یا بی‌سواد را با وعده پرداخت وام فریب می‌دهد و اوراق هویتی‌شان را اقتصادی‌شد و ماجرای یک کلاهبرداری را گزارش داد. او گفت: من هیچ‌گونه خرید و فروشی تاکنون انجام نداده‌ام اما اداره مالیات برآیم اوراقی ارسال کرده که بر اساس آن من در جریان خرید و فروش مقدار زیادی کالا نقش داشته‌ام که حالا باید مالیات آن را پرداخت کنم.

شاکسی وقتی در این باره مورد تحقیق بیشتر قرار گرفت، گفت: مدتی قبل مشکل مالی داشتم و آن را با بدهی‌م که شاهین نام دارد مطرح کردم. شاهین گفت که با روابطی که دارد می‌تواند برآیم مقرض الحسنه بگیرد.

دو مرد فریبکار که پس از فریب جویندگان وام یا اوراق هویتی آنها ششرت‌های کاغذی ثبت کرده و دستت به کلاهبرداری ۳۰میلیارد

تومانی زده بودند، با داشت شدند. به گزارش «جوان» سرهنگ علی ولی‌پورگودرزی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ توضیح داد:۵۵مرد ماه امسال مر دی وارد اداره پلیس امنیت اقتصادی شد و ماجرای یک کلاهبرداری را گزارش داد. او گفت: من هیچ‌گونه خرید و فروشی تاکنون انجام نداده‌ام اما اداره مالیات برآیم اوراقی ارسال کرده که بر اساس آن من در جریان خرید و فروش مقدار زیادی کالا نقش داشته‌ام که حالا باید مالیات آن را پرداخت کنم.

شاکسی وقتی در این باره مورد تحقیق بیشتر قرار گرفت، گفت: مدتی قبل مشکل مالی داشتم و آن را با بدهی‌م که شاهین نام دارد مطرح کردم. شاهین گفت که با روابطی که دارد می‌تواند برآیم مقرض الحسنه بگیرد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرچ – ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۱۲۱۵/۰۵۷۰۰۳۳۱/۱۳۹۹۶/هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرچ – ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقلای رضا مهین خاکی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۶۹۶ صادره از کرچ در شنشدانگ یک قطعه زمین با بنای ادحائی به مساحت ۴۰۷ متر مربع از پلاک ۳۸۰ قرچی از ۱۶۵ اصلوی واقع در مشکی دشت خردیاری از مالک رسمی آقای سلیمان احمدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت اتقاضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف: ۰۷۵۵/۹۹/ف/منصور هدیانتکار – رئیس ثبت اسناد و املاک تاریخ انتشار نوبت اول: مورخ ۰۹/۲۳/۱۳۹۹ – نوبت دوم مورخ ۰۸/۱۳۹۹/۱۰۱۳۹۹

قاضی شورای حل اختلاف شعبه ۸ شورای حل اختلاف شهرستان ایلام – محسن رستمی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و نسخه‌نانی دادخواست

از: دفتر شعبه هشتم شورای حل اختلاف ایلام به روایت عمومی دادگستری ایلام شورای ۸ حل اختلاف شهرستان ایلام اجرائیه مشخصات محکوم له/علیهیم آقای فرشاد علیزاده فرزندی: علی شغل: آزاد محل اقامت: استان ایلام شهرستان ایلام، طرفه:باور امام، انتهای خیابان شوشتری، مشخصات محکوم علیه/امیر چرنگ فرزندی:زانی شغل: آزاد محل سکونت مجهول امکان: محکوم به: به موجب در خواست اجرای حکم به شماره ۰۲۷۵/۰۸۴۸۸۰۰۹۹۹۰۸۰۵۲۴ شماره دادنامه ۰۵۲۴/۰۹۹۰۹۹۹۰۸۰۴۸۸۰۰۹۹۹۰۹۹۰۸۰۴۸۸۰۰۵۲۴ شماره دادنامه ۰۵۲۴/۰۹۹۰۹۹۹۰۸۰۴۸۸۰۰۹۹۹۰۹۹۰۸۰۴۸۸۰۰۵۲۴ شماره دادنامه ۰۵۲۴/۰۹۹۰۹۹۹۰۸۰۴۸۸۰۰۹۹۹۰۹۹۰۸۰۴۸۸۰۰۵۲۴ سند خودرو برابرد سفید به شماره پلاک ۳۷۱ ج ۱۸ ک۱۸۰۷۸۰۰۰میلغ ۶۰۰/۰۰۰ریال بابت اجرائیه در حل محکوم له.

محسن رستمی قاضی – شورای حل اختلاف ایلام
محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه: ۱. ظرف ده روز مفاد اثر بموقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی) ۲. ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳. مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد چنانچه خود قادر به مفاد اجرائیه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد با قیمت همه اموال منقول به طور مشروح مستعمل بر میزان وجوه سادی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و کلیه اموالی که به هر نحو نزد شخصی ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوی اعصار به ضمیمه دادخواست اعصار به مقام قضایی ارائه نماید والا به درخواست محکوم له بازداشت می‌شود (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی (۱۳۹۴) ۴. خودداری محکوم وعلیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در بی داری (ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.و.ا. ۱. و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی (۱۳۹۴) ۵. انتقال مال به دیگری به هر نحو یا انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش با جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی (۱۳۹۴) ۶. چنانچه صورت احوال پس از مهلت سی روز ارائه نشود از ادای محکوم علیه از زندان منوط به موافقت محکوم له که با تودیع وثیقه یا معرفی کامل توسط محکوم علیه خواهد بود (تبصره ۶ ماده ۳ قانون اجرای محکومیت مالی (۱۳۹۴).

قاضی شورای حل اختلاف شعبه ۸ شورای حل اختلاف شهرستان ایلام – محسن رستمی